تازه‌های اقتصاد

شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵
۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۱ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۶۸


۳

کمال اطهاری:

حملات به بانک مرکزی انحرافی است

پزشکیان: امروز در یک جنگ خاموش اقتصادی قرار داریم که بسیار سخت‌تر از جنگ موشکی است

نه به قیمت گذاری دستوری



بانک و بازار سرمایه نه دو مسیر رقیب برای تأمین مالی اقتصاد، بلکه دو بال مکمل هستند که هر یک با ابزارها، ظرفیت‌ها و کارکردهای متفاوت، بخشی از نیازهای مالی بنگاه‌ها و پروژه‌های اقتصادی را پوشش می‌دهند. بانک‌ها با تکیه بر شبکه گسترده، شناخت مشتریان و ابزارهای اعتباری، نقش مهمی در تأمین سرمایه در گردش و نیازهای کوتاه‌مدت بنگاه‌ها دارند و بازار سرمایه نیز با فراهم کردن امکان انتشار اوراق، افزایش سرمایه و جذب پس‌اندازهای خرد و کلان، ظرفیت تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت و توسعه‌ای را فراهم می‌کند. تقویت هر یک از این دو بازار، بدون توجه به نقش مکمل دیگری، نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمام نیازهای تأمین مالی اقتصاد باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که محدودیت منابع، نااطمینانی‌های اقتصادی و فشارهای ناشی از جنگ، حفظ جریان تولید و سرمایه‌گذاری را به ضرورتی جدی تبدیل کرده است.

توسعه نظام تأمین مالی در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری به هماهنگی میان بازار پول و بازار سرمایه، ثبات اقتصاد کلان، اصلاح ساختار بنگاه‌ها، تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی و تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران نیاز دارد. پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های پولی و ارزی، انضباط مالی دولت، کاهش موانع فعالیت بنگاه‌ها و فراهم کردن امکان مشارکت گسترده‌تر مردم در بازارهای مالی، از جمله عواملی است که می‌تواند مسیر تجهیز منابع و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد را هموارتر کند.

دومین همایش سالانه بازار سرمایه ایران نیز با محورهایی از جمله حفظ چرخه تولید در شرایط جنگ اقتصادی، اصلاح ساختار بنگاه‌های زیان‌ده، ثبات اقتصاد کلان، توسعه ابزارهای تأمین مالی و افزایش مشارکت مردم در بازار سرمایه برگزار شد؛ رویدادی که در آن رئیس‌جمهور، رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و رئیس سازمان بورس، علاوه بر تشریح چالش‌های موجود، بر ضرورت اصلاحات اقتصادی، تقویت ظرفیت‌های نظام مالی و نقش بازارهای پول و سرمایه در پشتیبانی از تولید و سرمایه‌گذاری تأکید کردند. در پنل‌های تخصصی این همایش نیز محدودیت منابع مالی، ضرورت توسعه ابزارهای جدید، تأمین مالی بازآفرینی و راهکارهای افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری اقتصاد مورد بحث قرار گرفت.

ادامه در صفحه۲

سرمقاله

نقش مکمل بانک و بورس



شاهین شایان آرانی
کارشناس بازار سرمایه

نظام بانکی و بازار سرمایه دو بخش مکمل در نظام تأمین مالی هستند که هر یک متناسب با ماهیت فعالیت خود، نقش متفاوتی در تأمین منابع مالی بنگاه‌های اقتصادی ایفا می‌کنند.

به‌طور معمول، بانک‌ها در تأمین مالی کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بازار سرمایه در تأمین مالی بلندمدت نقش پررنگ‌تری دارند؛ هرچند این تقسیم‌بندی مطلق نیست و برخی بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های توسعه‌ای در تأمین مالی بلندمدت نیز مشارکت می‌کنند.

تأمین مالی از طریق نظام بانکی بیشتر با ابزارهایی مانند تسهیلات بانکی انجام می‌شود و به دلیل ماهیت کوتاه‌مدت‌تر این نوع تأمین مالی، بانک‌ها رویکردی محتاطانه‌تر و حساسیت بیشتری نسبت به ریسک اعتباری دارند. در مقابل بازار سرمایه از طریق ابزارهایی مانند افزایش سرمایه شرکت‌ها و انتشار اوراق، امکان تأمین منابع بلندمدت را فراهم می‌کند که طبیعتاً با سطح متفاوتی از ریسک و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران همراه است.

در اقتصادهایی مانند بسیاری از کشورهای اروپایی، سوئیس، ژاپن، مالزی، آمریکا و کانادا که از ثبات نسبی و چشم‌انداز قابل پیش‌بینی برخوردارند، فعالان اقتصادی می‌توانند با دید بلندمدت‌تری تصمیم‌گیری کنند.

در چنین شرایطی هم تأمین مالی کوتاه‌مدت از طریق بانک‌ها و هم تأمین مالی بلندمدت از طریق بازار سرمایه با سهولت و کارایی بیشتری انجام می‌شود.

تأمین مالی بلندمدت مستلزم وجود چشم‌انداز روشن نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی و فضای کسب‌وکار است. هرچه پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد بیشتر باشد، سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان مالی با اطمینان بیشتری منابع خود را برای دوره‌های طولانی‌تر در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌دهند؛ بنابراین، ایجاد ثبات و تقویت اعتماد به چشم‌انداز متغیرهایی مانند تورم و نرخ ارز، می‌تواند زمینه توسعه تأمین مالی بلندمدت و افزایش نقش بازار سرمایه را فراهم کند.

میان نرخ‌های بازده مورد انتظار در تأمین مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت باید رابطه‌ای منطقی و متناسب با سطح ریسک وجود داشته باشد؛ چرا که به‌طور طبیعی تأمین مالی کوتاه‌مدت به دلیل ریسک کمتر، بازده مورد انتظار پایین‌تری دارد و در مقابل تأمین مالی بلندمدت به دلیل پذیرش ریسک بیشتر با بازده مورد انتظار بالاتری همراه است.

شکل‌گیری تعادل میان نرخ‌های سود و بازده در بازار پول و بازار سرمایه، به ایجاد ارتباط و هماهنگی میان این دو بازار کمک می‌کند. در اقتصادهای باثبات، این تعادل تا حد زیادی از طریق سازکارهای بازار و تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی شکل می‌گیرد و سیاست‌های اقتصادی و ثبات محیط کسب‌وکار نیز در تقویت این رابطه نقش مهمی دارند.

حمایت از تولید فقط به بازار سرمایه محدود نمی‌شود، بلکه کل نظام مالی شامل نظام بانکی، بازار سرمایه و صنعت بیمه در این زمینه نقش‌آفرین هستند. بنگاه‌های تولیدی برای تأمین سرمایه در گردش، خرید مواد اولیه و تأمین هزینه‌های جاری به منابع کوتاه‌مدت نیاز دارند که نظام بانکی در این بخش نقش مهمی ایفا می‌کند.

در مقابل، برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای، افزایش ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، ابزارهای بازار سرمایه از جمله انتشار اوراق با سررسید بلندمدت و افزایش سرمایه شرکت‌ها اهمیت پیدا می‌کنند؛ بنابراین هر دو بخش بازار پول و بازار سرمایه در تأمین نیازهای مالی بنگاه‌ها و پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی و صنعتی نقش مکمل دارند.

از این منظر لازم به یادآوری است که ثبات و پایداری در تمام بخش‌های نظام مالی، از نظام بانکی و بازار سرمایه تا صنعت بیمه، تأثیر قابل‌توجهی بر حمایت از تولید، صنعت، تجارت و کسب‌وکار دارد. از این رو، تقویت هماهنگی میان این بخش‌ها و فراهم کردن بستر باثبات برای فعالیت آن‌ها، می‌تواند به بهبود فرآیند تأمین مالی و پشتیبانی مؤثرتر از رشد اقتصادی منجر شود. انتظار می رود که با همگرایی و هم افزایش بیشتر بین بخش های مختلف مالی کشور شاهد ارتقای هر چه بیشتر و رشد مستمر اقتصاد ایران و البته تامین مالی غیرتورمی باشیم.

پزشکیان: امروز در یک جنگ خاموش اقتصادی قرار داریم که بسیار سخت‌تر از جنگ موشکی است

نه به قیمت‌گذاری دستوری



ادامه تیتریک مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در دومین همایش سالانه با تأکید بر ضرورت پذیرش واقعیت مشکلات اقتصادی کشور و تلاش جمعی برای عبور از شرایط دشوار، اظهار کرد: امروز در یک جنگ خاموش اقتصادی قرار داریم که بسیار سخت‌تر از جنگ موشکی است و عبور از آن به تلاش و کوشش جمعی، به‌ویژه مشارکت فعالان عرصه تولید و سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

وی با قدردانی از تلاش تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی برای حفظ جریان تولید و تأمین نیازهای بازار در شرایط جنگی، گفت: دشمن انتظار داشت کشور با قحطی و کمبود کالا مواجه شود، اما با وجود همه فشارها، چرخ تولید همچنان در حال چرخش است.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر ضرورت اصلاح بهره‌وری در بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی، از تداوم فعالیت مجموعه‌های زیان‌ده و تحمیل هزینه‌های آن‌ها به منابع عمومی انتقاد کرد.

وی اظهار کرد: نمی‌توان یک مجموعه را زیان‌ده نگه داشت، از منابع دیگر برای جبران زیان آن استفاده کرد و در نهایت کسری ایجاد کرد؛ چراکه بخش مهمی از کسری‌ها ناشی از همین سوءمدیریت‌هاست.

پزشکیان با اشاره به حجم بالای منابع و دارایی‌های در اختیار برخی شرکت‌های زیان‌ده، بر ضرورت بررسی ریشه‌ای عملکرد این مجموعه‌ها تأکید کرد و گفت: نمی‌توان از یک سو بر ضرورت جلوگیری از چاپ پول تأکید کرد و از سوی دیگر، زیان شرکت‌ها را از منابع دولتی جبران کرد.

وی همچنین پاسخ‌گویی مدیران را ضروری دانست و تصریح کرد: مدیری که توان اداره مجموعه‌ای را ندارد، باید کنار برود. وقتی یک مجموعه زیان‌ده است، پرداخت فوق‌العاده مدیریت و پاداش پایان سال به مدیر آن چه مبنایی دارد؟ بنگاه‌هایی که اداره می‌کنیم یا باید تعطیل شوند یا اگر فعالیتشان ادامه دارد، باید بهره‌ور باشند.

رئیس‌جمهور در ادامه با تأکید بر ضرورت پرهیز از قیمت‌گذاری دستوری، خاطرنشان کرد: نمی‌توان کالایی را که با هزینه ۱۰ تومان تولید شده است، به اجبار ۸ تومان فروخت؛ چراکه در این صورت تولید متوقف می‌شود. البته مقابله با قیمت‌گذاری دستوری به معنای رها کردن بازار نیست و نباید اجازه داد تولیدکننده نیز هر قیمتی را که می‌خواهد تعیین کند. باید ضمن پرهیز از قیمت‌گذاری دستوری، نظارت و مدیریت صحیح بازار و برخورداری تولیدکننده از حاشیه سود معقول مورد توجه قرار گیرد.

پزشکیان با اعلام آمادگی دولت برای اصلاح مقررات و قوانین مخل تولید و فعالیت اقتصادی، گفت: دولت به دنبال ایجاد مشکل برای فعالان اقتصادی نیست و آمادگی دارد مقرراتی را که برای بازار، تولید و صنوف مشکل ایجاد می‌کند، اصلاح یا حذف کند.

تأکید بر اصلاح نظام تخصیص منابع و عدالت اقتصادی

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، نحوه تخصیص منابع و تمرکز امکانات در پایتخت را مورد انتقاد قرار داد و گفت: منابع از استان‌ها جمع‌آوری می‌شود، اما بخش مهمی از توسعه در تهران اتفاق می‌افتد؛ در حالی که نرخ تورم در مناطق حاشیه‌ای بیشتر از مراکز استان‌هاست و این مسئله به مهاجرت و گسترش حاشیه‌نشینی منجر می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه سازوکار تخصیص منابع و نظام پرداخت بر رفتار افراد و مسیر توسعه کشور اثرگذار است، افزود: هم در نظام پرداخت به نیروی انسانی و هم در تخصیص منابع برای توسعه مناطق، با بی‌عدالتی مواجه هستیم و باید برای اصلاح این وضعیت برنامه‌ریزی کنیم.

پزشکیان همچنین بهره‌وری را از مهم‌ترین الزامات رشد اقتصادی دانست و بر ضرورت استفاده از مدیران کاردان و شایسته در بخش‌های مختلف تأکید کرد.

وی با اشاره به ضرورت مدیریت مصرف انرژی نیز گفت: مصرف برق و گاز در کشور چند برابر متوسط جهانی است و باید به جای محدود کردن مصرف، الگوی مصرف را اصلاح کنیم تا منابع بیشتری برای تولید، پرداخت به نیروی انسانی و توسعه تجارت در اختیار کشور قرار گیرد.

رئیس‌جمهور در پایان با تأکید بر ضرورت پذیرش واقعیت مشکلات و پرهیز از اختلافات در شرایط دشوار اقتصادی، وحدت و انسجام ملی و همکاری دولت، مردم و فعالان اقتصادی را لازمه عبور از شرایط موجود دانست.

همتی: آینده اقتصاد به کیفیت معماری نظام مالی وابسته است

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی نیز در این همایش با تأکید بر اهمیت اصلاح ساختار تأمین مالی کشور گفت: آینده اقتصاد ایران، بیش از آنکه به حجم منابع مالی در دسترس وابسته باشد، به کیفیت معماری نظام مالی، کارایی سازوکار تخصیص سرمایه و توانایی اقتصاد در تبدیل پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری مولد وابسته است.

وی با بیان اینکه صرف برخورداری از منابع مالی قابل توجه برای تحقق ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری کافی نیست، اظهار کرد: چگونگی تجهیز، واسطه‌گری، قیمت‌گذاری و تخصیص منابع مالی به همان اندازه و شاید بیشتر اهمیت دارد.

رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر اینکه بازار پول و بازار سرمایه دو حوزه مستقل یا رقیب نیستند، تصریح کرد: این دو بازار اجزای مکمل یک نظام مالی هستند که باید در خدمت تجهیز پس‌اندازها، تخصیص بهینه منابع، مدیریت ریسک و تأمین مالی رشد اقتصادی قرار گیرند.

همتی ثبات پولی و مالی را از الزامات پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری دانست و گفت: مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی در مرکز مسئولیت بانک مرکزی قرار دارد. هرچه مسیر تورم باثبات‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، بنگاه‌ها بهتر می‌توانند هزینه‌ها و درآمدهای خود را برآورد کنند و درباره سرمایه‌گذاری‌های چندساله تصمیم بگیرند.

وی با اشاره به شرایط «نه جنگ، نه صلح» و تشدید نااطمینانی‌های اقتصادی، بر ضرورت

> **رئیس‌جمهور نحوه تخصیص منابع و تمرکز امکانات در پایتخت را مورد انتقاد قرار داد و گفت: منابع از استان‌ها جمع‌آوری می‌شود، اما بخش مهمی از توسعه در تهران اتفاق می‌افتد؛ در حالی که نرخ تورم در مناطق حاشیه‌ای بیشتر از مراکز استان‌هاست و این مسئله به مهاجرت و گسترش حاشیه‌نشینی منجر می‌شود.**
> **سازوکار تخصیص منابع و نظام پرداخت بر رفتار افراد و مسیر توسعه کشور اثرگذار است، هم در نظام پرداخت به نیروی انسانی و هم در تخصیص منابع برای توسعه مناطق، با بی‌عدالتی مواجه هستیم و باید برای اصلاح این وضعیت برنامه‌ریزی کنیم. باید واقعیت مشکلات را بپذیریم و از اختلافات در شرایط دشوار اقتصادی پرهیز کنیم چرا که وحدت و انسجام ملی و همکاری دولت، مردم و فعالان اقتصادی لازمه عبور از شرایط موجود است**

روشن بودن جهت سیاست‌های پولی و ارزی و ثبات قواعد داخلی تأکید کرد و افزود: در چنین شرایطی، بنگاه‌ها با مشکلاتی در تأمین مواد اولیه، صادرات، تقاضا و فروش مواجه هستند و ثبات سیاست‌ها به آن‌ها امکان می‌دهد با اطمینان بیشتری برنامه‌ریزی کنند.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین با تشریح ارتباط سیاست پولی و بازار سرمایه اظهار کرد: تغییر نرخ سود بر هزینه تأمین مالی شرکت‌ها و تصمیم مردم برای نگهداری پس‌انداز در قالب سپرده، اوراق یا سهام اثر می‌گذارد. همچنین شرایط اعتباری بانک‌ها و تحولات نرخ ارز بر سرمایه در گردش و چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها تأثیرگذار است.

همتی توسعه بازار بدهی را یکی از الزامات بهبود تأمین مالی دانست و گفت: معامله منظم اوراق دولتی در سررسیدهای مختلف می‌تواند زمینه شکل‌گیری منحنی بازده مرجع را فراهم کند و به سرمایه‌گذاران امکان دهد بازده و ریسک اوراق شرکت‌ها را با اوراق دولتی مقایسه کنند.

وی افزود: هرچه بازار ثانویه اوراق عمیق‌تر و نقدشونده‌تر باشد، قیمت‌ها اطلاعات روشن‌تری درباره شرایط تأمین مالی و انتظارات بازار در اختیار سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذار پولی قرار می‌دهند.

رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر ضرورت انضباط مالی دولت تصریح کرد: انتشار اوراق می‌تواند به تأمین مالی شفاف‌تر دولت کمک کند، اما برای استفاده پایدار از این ظرفیت باید منابع بازپرداخت مشخص باشد و حجم و زمان‌بندی عرضه اوراق با ظرفیت جذب بازار تناسب داشته باشد.

وی خاطرنشان کرد: وقتی نیازهای بودجه‌ای دولت جهت سیاست پولی را تعیین می‌کند، مهار پایدار تورم دشوارتر می‌شود. انضباط بودجه‌ای و پایداری بدهی دولت پشتوانه اثربخشی سیاست پولی است.

همتی در ادامه با تأکید بر اعتقاد خود به جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد ایران، گفت: این بازار باید سهم بیشتری در تأمین مالی سرمایه‌گذاری بلندمدت بر عهده بگیرد. بانک‌ها با توجه به شناختی که از گردش مالی و نیازهای مشتریان دارند، می‌توانند در تأمین سرمایه در گردش نقش‌آفرینی کنند، در حالی که بازار سرمایه از طریق عرضه سهام جدید، انتشار اوراق و تأمین مالی پروژه‌ها می‌تواند منابع مورد نیاز طرح‌های بلندمدت را فراهم کند.

وی همچنین ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای از جمله اوراق گام را از ظرفیت‌های همکاری بازار پول و سرمایه دانست و افزود: این ابزارها می‌توانند اعتبار را به معاملات واقعی و نیاز

> **رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر اینکه بازار پول و بازار سرمایه دو حوزه مستقل یا رقیب نیستند، تصریح کرد: این دو بازار اجزای مکمل یک نظام مالی هستند که باید در خدمت تجهیز پس‌اندازها، تخصیص بهینه منابع، مدیریت ریسک و تأمین مالی رشد اقتصادی قرار گیرند. ثبات پولی و مالی از الزامات پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری است و هرچه بازار ثانویه اوراق عمیق‌تر و نقدشونده‌تر باشد، قیمت‌ها اطلاعات روشن‌تری درباره شرایط تأمین مالی و انتظارات بازار در اختیار سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذار پولی قرار می‌دهند. مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی در مرکز مسئولیت بانک مرکزی قرار دارد و هرچه مسیر تورم باثبات‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، بنگاه‌ها بهتر می‌توانند هزینه‌ها و درآمدهای خود را برآورد کنند و درباره سرمایه‌گذاری‌های چندساله تصمیم بگیرند.**

مشخص بنگاه‌ها پیوند دهند.

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به نقش بازار سرمایه در پوشش ریسک بنگاه‌ها، بر ضرورت شفافیت اطلاعات، پاسخ‌گویی مدیران شرکت‌ها و رعایت حقوق سرمایه‌گذاران خرد تأکید کرد و گفت: اثر بازار سرمایه بر اقتصاد را باید علاوه بر ارزش معاملات و حجم انتشار اوراق، در میزان کمک آن به تشکیل سرمایه، نوسازی تولید و افزایش بهره‌وری سنجید.

همتی در پایان حمایت از بازار سرمایه را حمایت از تولید، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشور دانست و بر همکاری منظم بانک مرکزی، سازمان بورس، وزارت اقتصاد و شبکه بانکی برای توسعه متوازن بازارهای مالی تأکید کرد.

مدنی‌زاده: دسترسی مردم به دارایی‌های سهام عدالت به‌زودی فراهم می‌شود

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، نیز از رفع موانع حقوقی دسترسی مردم به دارایی‌های خود در سهام عدالت با همکاری مجلس و دولت خبر داد و گفت: به‌زودی امکان دسترسی مردم به دارایی‌هایشان در سهام عدالت فراهم می‌شود.

وی اظهار کرد: با این اقدام، گستره سهام عدالت و حضور عامه مردم در بازار سرمایه افزایش می‌یابد و مردم عملاً به دارایی‌های خود در بازار دسترسی پیدا می‌کنند. همچنین امکان سرمایه‌گذاری مردم در پروژه‌های ملی، به‌ویژه پروژه‌های مسکن، از دیگر ابزارهایی است که به‌زودی رونمایی خواهد شد.

وزیر اقتصاد با اشاره به اقدامات دولت برای جلوگیری از تحمیل کسری بودجه به بانک مرکزی گفت: اگر سلطه مالی دولت بر بانک مرکزی حاکم می‌شد، امسال وضعیت بسیار نامطلوب و خطرناکی را تجربه می‌کردیم، اما با اصلاح جدی در بازار بدهی و اوراق دولتی، برخلاف سال‌های گذشته، کسری بودجه به بانک مرکزی تحمیل نشد.

مدنی‌زاده افزود: اصلاحات درون نظام بانکی نیز با هدف جلوگیری از انتقال مشکلات به بانک مرکزی و رشد پایه پولی از سال گذشته آغاز شده و با همکاری تیم اقتصادی دولت ادامه دارد.

وی بازگرداندن ثبات به اقتصاد کلان را زیربنای تحقق دو محور رشد اقتصادی و عدالت و مردمی‌سازی اقتصاد دانست و اظهار کرد: یکی از ابعاد عدالت اقتصادی، دسترسی مردم و بنگاه‌های کوچک و متوسط به نظام فراگیر تأمین مالی است.

وزیر اقتصاد با اشاره به ظرفیت‌های بازار سرمایه

> **وزیر امور اقتصادی و دارایی از رفع موانع حقوقی دسترسی مردم به دارایی‌های خود در سهام عدالت با همکاری مجلس و دولت خبر داد و گفت: به‌زودی امکان دسترسی مردم به دارایی‌هایشان در سهام عدالت فراهم می‌شود.**
> **با این اقدام، گستره سهام عدالت و حضور عامه مردم در بازار سرمایه افزایش می‌یابد و مردم عملاً به دارایی‌های خود در بازار دسترسی پیدا می‌کنند. همچنین امکان سرمایه‌گذاری مردم در پروژه‌های ملی، به‌ویژه پروژه‌های مسکن، از دیگر ابزارهایی است که به‌زودی رونمایی خواهد شد. اگر سلطه مالی دولت بر بانک مرکزی حاکم می‌شد، امسال وضعیت بسیار نامطلوب و خطرناکی را تجربه می‌کردیم، اما با اصلاح جدی در بازار بدهی و اوراق دولتی، برخلاف سال‌های گذشته، کسری بودجه به بانک مرکزی تحمیل نشد.**

برای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط گفت: امسال ۱۰۰ همت از طریق بازار سرمایه برای بنگاه‌ها تأمین مالی شده که بخش عمده آن از طریق اوراق مرابحه بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده است.

وی همچنین با اشاره به عرضه توکن‌های مبتنی بر دارایی‌های بازار سرمایه در پلتفرم‌ها، این ابزارها را راهکاری برای فراهم کردن امکان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز برای مردم در مناطق مختلف کشور دانست.

۵مطالبه برای بازگشت رونق به بازار سرمایه

حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، نیز در این همایش پنج مطالبه فعالان بازار سرمایه را به رئیس‌جمهور منتقل کرد.

حذف قیمت‌گذاری دستوری، اولویت‌بخشی به تأمین انرژی بنگاه‌های تولیدی، آزادسازی سهام شناور و عرضه سهام تودلی شرکت‌های بزرگ، حفظ معافیت‌های مالیاتی شرکت‌های بورسی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ و تصویب استانداردهای بومی‌سازی‌شده ارزش‌گذاری دارایی‌ها، پنج درخواست مطرح‌شده از سوی رئیس سازمان بورس بود.

صیدی با اشاره به تأثیر قیمت‌گذاری دستوری بر عملکرد بنگاه‌ها گفت: این روند به شرکت‌ها آسیب می‌زند و حذف آن می‌تواند شرایط فعالیت و تولید را بهبود بخشد.

وی همچنین با تأکید بر اهمیت تأمین انرژی صنایع اظهار کرد: بنگاه‌ها ضامن اشتغال هستند و به حداقل رساندن قطعی آب، برق و گاز صنایع می‌تواند به افزایش تولید و اشتغال و تداوم فعالیت بازار سرمایه کمک کند.

رئیس سازمان بورس با اشاره به ضرورت عرضه شرکت‌های بزرگ در بازار سرمایه، آزادسازی سهام شناور و سهام تودلی را از دیگر الزامات توسعه بازار دانست و خواستار حفظ مشوق‌های مالیاتی شرکت‌های بورسی شد.

وی همچنین از ارسال پیش‌نویس لایحه مربوط به ارزش‌گذاری دارایی‌ها از سوی وزیر اقتصاد به دولت خبر داد و تصویب آن در دولت و مجلس را گامی مهم در توسعه بازار سرمایه عنوان کرد.

تأمین مالی بازآفرینی؛ از محدودیت منابع تا توسعه ابزارها

در ادامه این همایش، پنل «تأمین مالی بازآفرینی؛ ابعاد، فرصت‌ها و چشم‌انداز» با حضور مرتضی زمانیان، معاون سیاست‌گذاری و راهبردی اقتصادی وزارت اقتصاد، ایمان حاجی‌زاده، مشاور وزیر اقتصاد، حمید کردبچه، عضو شورای بورس و تیمور رحمانی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این پنل، زمانیان با تشریح سیاست‌های حمایتی دولت در شرایط جنگی، حفظ پایداری اقتصاد و اشتغال را از اولویت‌های تأمین مالی دانست و اعلام کرد در قالب برنامه تسهیلات حفظ اشتغال، حدود ۹ هزار بنگاه مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

حاجی‌زاده، نیز از شناسایی بیش از ۸۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری در سامانه سازمان سرمایه‌گذاری ایران خبر داد و توسعه ابزارهایی مانند اوراق سلف انرژی و معدن، اوراق ارزی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی را از برنامه‌های تأمین مالی پروژه‌های اولویت‌دار برشمرد. وی همچنین از برنامه راه‌اندازی صندوقی با ظرفیت ۵۰ همت خبر داد.

همچنین کردبچه با اشاره به محدودیت ظرفیت نظام بانکی برای تأمین مالی اقتصاد، بر ضرورت افزایش سهم بازار سرمایه در تجهیز منابع تأکید کرد. وی با اشاره به تجربه اقتصادهای بزرگ جهان، بازار سرمایه را بستری برای تأمین مالی بنگاه‌ها و جذب پس‌اندازهای خرد دانست.

رحمانی نیز با تأکید بر محدودیت منابع مالی حقیقی برای بازآفرینی اقتصاد گفت: توسعه ظرفیت‌های تولیدی بدون افزایش پس‌انداز حقیقی امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان صرفاً با تزریق منابع مالی و تحریک تقاضا، انتظار رشد پایدار داشت. وی کنترل تورم و افزایش پس‌انداز واقعی را از الزامات هدایت منابع به سمت سرمایه‌گذاری مولد دانست.

کمال اطهاری در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

حملات به بانک مرکزی انحرافی است



گفت‌وگو

کمال اطهاری، پژوهشگر ارشد اقتصاد توسعه به کالبدشکافی نیم‌قرن تورم ساختاری در اقتصاد ایران می‌پردازد. او با رد این گزاره که تورم طی نیم قرن گذشته همواره در تمام دوره‌ها روندی یکسان داشته، دهه ۶۰ را دوره‌ای با مهار نسبی تورم به‌واسطه کنترل‌های نهادی می‌داند و نقطه آغاز بحران کنونی را در تصمیمات پس از سال ۶۸خورشیدی جستجو می‌کند. اطهاری معتقد است ایران پس از انقلاب فاقد یک «الگوی توسعه نوین» همگام با اقتصاد دانش‌بنیان جهانی بود و در خلأ این مدل، ملغمه‌ای مبتذل از سیاست‌های به‌اصطلاح تعدیل، تراکم‌فروشی شهری و غلبه سرمایه‌داری نامولد مستغلات شکل گرفت. به باور او، تبدیل زمین به ابزار درآمدزایی شهری و تسخیر نظام بانکی توسط جریان رانت مسکن، موجب انهدام زنجیره ارزش تولید، فرار گسترده سرمایه‌ها و پرواز تورم به کانال‌های بی‌سابقه شده است؛ بحرانی که به زعم وی، جز از طریق بازگشت به اجماع ملی حول یک «الگوی توسعه دانش‌محور» و تعامل سازنده با جهان درمان نخواهد شد. او نقش بانک مرکزی با بدنه مدیریتی و کارشناسی برجسته را در ایجاد این الگوی واحد توسعه پر رنگ و ارزشمند می داند. اطهاری با دفاع از سیاست‌های اصلاحی بانک مرکزی، تداوم روند اصلاحات پولی، اجرای ایده اقتصاد دانش و تعامل با جهان پیرامونی را باعث کاهش تدریجی مشکلات و رسیدن به یک اقتصاد تراز ارزیابی می‌کند. مشروح گفت‌وگو با این اقتصاددان را در ادامه می‌خوانید:

اقتصاد ایران دست‌کم در نیم‌قرن گذشته با تورمی ساختاری و مزمن دست‌به‌گریبان بوده است؛ متوسط ۲۰ درصدی از میانه دهه ۵۰ تا پایان دهه ۸۰، جهش به میانگین ۴۰ درصد در دهه ۹۰ و ثبت ارقام بالای ۵۰ درصد در سال‌های اخیر. این تورم چگونه در تاروپود اقتصاد ایران نهادینه شد؟

پیش از ورود به بحث باید گزاره شما را تصحیح کنم؛ در دوره هشت‌ساله جنگ تحمیلی با عراق، تورم به این شدت نبود. با اینکه هزینه جنگ و خسارات مستقیم و غیرمستقیم آن بسیار سنگین و نزدیک به هزار میلیارد دلار برآورد می‌شد، اما در حوزه مسکن و مایحتاج اساسی مردم، با انفجار تورمی مواجه نبودیم. پرسش اصلی دقیقاً همین است: چرا با گذر از دهه‌های ۷۰، ۸۰، ۹۰ و ورود به قرن جدید خورشیدی، بر شدت تورم افزوده شد؟ ریشه اولیه را باید در شناور کردن نسنجیده نرخ ارز در اوایل دهه ۷۰ توسط بانک مرکزی دید که زمینه‌ساز تورم نهادینه شد؛ شوک‌درمانی سنگینی که بالاترین ضربه را وارد کرد. بانک‌های مرکزی در ادوار مختلف خطاهای خاص خود را داشتند، اما شوک ارزی دهه ۷۰ نقطه عطف بود. با این حال، ریشه عمیق‌تر پدیده تورم در ایران در یک غیبت بزرگ نهفته است: ایران فاقد الگوی توسعه برای دوران جدید بود. انقلاب یعنی طرحی نو درانداختن برای روابط اقتصادی و اجتماعی، و این تحول نیازمند مدل توسعه مشخصی بود که متاسفانه ایران فاقد آن بود. شما حتی برای ساخت یک سازه یا ماشین ابتدا طراحی و قانون‌گذاری می‌کنید، اما در ایران مدل توسعه مدونی وجود نداشت؛ به قول نهادگراها، مدل توسعه باید مشخص شود. آنچه در ذهن جریانات غالب مدیریتی و اقتصادی ایران بود، همان الگوی منسوخ و شکسته‌بسته «جایگزینی وارداتِ منزوی» (autarky به معنای خودبسندگی) بود، آن هم درست در مقطعی که جهان داشت وارد اقتصاد دانش‌بنیان می‌شد. در کنار آن، بورژوازی تجاری سنتی قرار داشت که برای محافظت از منافع خود در برابر بورژوازی صنعتی دوره پهلوی به تحولات پیوسته بود. در دوران جنگ، به‌دلیل ضرورت‌های اقتصاد جنگی، کنترل دولتی، ملی شدن صنایع و بانک‌ها و وجود تشکل‌های شورایی کارگری و اداری، سیستم اقتصادی کم‌وبیش بدون موتور تورم‌زایی حاد به کار خود ادامه داد، اما نهادهای پایه‌ای دستکاری نشدند. مردم هم با روحیه انقلابی، وضعیت را تحمل می‌کردند و این چرخه به صورت غیر تورم‌زایی می‌چرخید. اما فاجعه از سال ۱۳۶۸ کلید خورد.

پس از پایان جنگ در سال ۶۸ چه تغییری در مناسبات سیاست‌گذاری رخ داد که مسیر متفاوتی پیش روی اقتصاد گذاشت؟

از سال ۶۸ وپس از پایان جنگ رفتاری کودکانه و سراسیمه آغاز شد که دو ستون اصلی داشت: نخست، رواج «تراکم‌فروشی» برای اداره شهرها تحت عنوان فریبنده عقلانیت اقتصادی، و دوم، اجرای برداشتی سطحی و مبتذل از سیاست‌های تعدیل ساختاری. من همان زمان در سازمان برنامه هشدار دادم. در جلسه‌ای با حضور رئیس وقت سازمان برنامه صراحتاً گفتم الفبای علم اقتصاد حکم می‌کند که زمین را نباید به امان بازار رها کرد، چرا که رانت زمین، ضدسرمایه‌داری مولد است و انباشت صنعتی را متوقف می‌کند. گفتند این حرف‌ها سوسیالیستی است؛ پاسخ دادم این نه حرف انقلاب اکتبر، بلکه آموزه انقلاب‌های بورژوایی فرانسه و انگلستان است! تمام نظام‌های سرمایه‌داری پیشرفته جلوی رانت‌خواری زمین را می‌گیرند تا بخش مولد اقتصادی ارزش‌افزوده تولید کند نه رانت. چرا که رانت ضد سرمایه‌داری است.اما گوش شنوایی نبود. این رویکرد باعث نوع خاصی از تعدیل اقتصادی شد که تورم را نهادینه کرد. هم‌زمان با رانت زمین و تراکم فروشی، قانون زمین شهری را عملاً کنار گذاشتند، ارز را شناور کردند، کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را از شمول قانون کار خارج ساختند و بانک‌های تخصصی مانند بانک صنعت و معدن و بانک مسکن را به حاشیه برده و بانک‌ها را به‌سمت الگوهای تجاری نامولد سوق دادند. این الگوی آشفته باعث شد تا تورم در اقتصاد ایران جای پای خود را سفت کند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی در جهان یک چارچوب و نظم سی‌ساله (منطبق بر ادوار کوندرافیف) داشت تا با تغییر فناوری بازتنظیم شود، اما آنچه در ایران اجرا شد، ملغمه‌ای التقاطی و بی‌پشتوانه بود. این فرآیند، غول رانت زمین و مسکن را از زیر زمین بیرون کشید و به‌تدریج تمام سرمایه‌هایی را که باید جذب صنعت و ارزش‌افزوده مولد می‌شد، در خود بلعید.

> **مردم ایران تاب‌آوری تاریخی و ظرفیت فرهنگی شگفت‌انگیزی دارند و در برابر سخت‌ترین فشارها تمامیت کشور را حفظ کرده‌اند؛ حاکمیت باید قدر این ملت شایسته را بداند. راه نجات کشور، بازگشت به سیاست «تعامل سازنده با جهان» است؛ همان اصلی که در برنامه چهارم توسعه تدوین شده بود اما کنار گذاشته شد. شکاف‌های درونی و گسل‌های اجتماعی باید با وفاق ملی ترمیم شوند. توسعه ملی و تولید ثروت پایدار بر پایه دانش تنها سدی است که می‌تواند مانع از فروپاشی اقتصادی شود؛ چرا که اتحاد جماهیر شوروی با هزاران کلاهک اتمی نتوانست جلوی فروپاشی درونی ناشی از رکود اقتصادی و انزوای فناورانه را بگیرد. بانک مرکزی می‌تواند در حوزه اختیارات خود کاتالیزور مطالعات راهبردی شود، اما تدوین این افق نیازمند یک بازآرایی بزرگ در سیاست‌گذاری ملی و پیوند دوباره علم با توسعه است.**

این تقدم بخش نامولد مستغلات بر صنعت، عملاً چه پیامدهایی برای ساختار سرمایه‌گذاری کشور داشت؟

نتیجه این بود که برج‌سازی‌های بی‌قاعده بدون حتی ابتدایی‌ترین زیرساخت‌های زیست‌شهری رواج یافت. شما پروژه‌هایی مثل اکباتان و سامان را در پیش از انقلاب ببینید بعد ساخت‌وسازهای پس از تراکم فروشی را بررسی کنید؛ در اکباتان شهرک به‌گونه‌ای طراحی شده که ساکنان برای نیازهای روزمره کمترین نیاز را به تردد شهری و تولید آلایندگی دارند، اما در دوره تراکم‌فروشی، این اصول نابود شد و به بحران‌های شدید زیست‌محیطی دامن زد. مهم‌تر از آن، سرمایه بخش مولد به تاراج رفت و در قالب ارز از ایران نیز خارج شد. در دوره پهلوی هدف ایجاد قطب‌های صنعتی برای تکمیل زنجیره‌های ارزش در داخل بود، اما جریان رانت مستغلات مانع تکمیل این زنجیره شد. هم‌زمان، جریان بورژوازی سنتی هم با بخش نوین اقتصادی سر ناسازگاری ایدئولوژیک داشت؛ در دهه ۶۰ عده‌ای از یک طرف می‌گفتند برنامه ریزی مانع ظهور امام زمان است و طیف دیگری معتقد بودند مزیت نسبی ما فقط تجارت یا کشاورزی سنتی است و نه چیز دیگری. در برنامه دوم، کشاورزی را به‌عنوان بخش پیشگام معرفی کردند، درست زمانی که دنیا وارد اقتصاد دانش بنیان و صادرات کالاهای نوین شده بود! این یعنی فقدان مطلق درک از توسعه. همان تیمی که تراکم‌فروشی راه انداخت و ارز را دستکاری کرد و بخش کشاورزی را بخش پیشگام اقتصاد معرفی می‌کرد، بعداً مدعی شد سیاست مانع کارش شده است. در دوران اصلاحات اوضاع منطقی تر شد.

اما این انحراف در دوره پوپولیسم دهه ۸۰ و در زمان دولت احمدی نژاد به اوج رسید؛ جایی که رسماً اعلام کردند «بخش مسکن، لوکوموتیو اقتصاد است». این گزاره را اولین بار موسولینی در دوران فاشیسم ابداع کرد؛ زیرا اقتصاد ایتالیا به دلیل فاشیسم منزوی شده بود و برای کشاندن مردم به دنبال خود و جبران انزوای خارجی، مسکن را لوکوموتیو نامیدند. این رویکرد باعث شد تا ایتالیا به جنگ و ویرانی و تورم برسد. من این روکرد پوپولیستهای ایرانی در دهه ۸۰ در دولت‌های نهم و دهم را در مقاله «روایت انهدام» با جزئیات شرح داده‌ام. در دوران متأخر جهانی نیز سیاست‌های نئولیبرالیسم بر مالی‌سازی مسکن سوار شد که به بحران ۲۰۰۸ جهان ختم شد. در ایران پیوندی مخرب در دولت‌های نهم و دهم حد فاصل سالهای ۸۴تا۹۲ از این دو نگاه شکل گرفت: طرح‌هایی مثل مسکن مهر، وام‌های زودبازده بی‌سرانجام و تراکم‌فروشی بی‌حساب. مثلا منطقه ۲۲ تهران قرار بود تکنوپلیس (تکنوپل) کشور و نماد ورود ایران به اقتصاد دانش شود، اما در دولت احمدی نژاد تبدیلش کردند به جنگلی از برج‌ها و مال‌های تجاریِ شهر ارواح، آن هم برای فروش کالاهای وارداتی، چون کالای مولد داخلی دیگر رمقی نداشت.

بخشی از بحث به ابعاد ارزی و مسئله فرار سرمایه مربوط می‌شود. آمارها و تحلیل‌ها در این زمینه چه تصویری ارائه می‌دهند؟

تا پیش از دهه ۸۰، فرار سرمایه از ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار فراتر نمی‌رفت؛ حتی در دوره دولت اصلاحات به دلیل تنش‌زدایی، اجرای طرح گفتگوی تمدن‌ها و تعامل با جهان،فرایند خروج سرمایه از کشور متوقف شد و سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان خارج از کشور سرمایه‌هایشان را وارد کردند. اما با آغاز موج درآمدهای افسانه‌ای نفت در دولت‌های نهم و دهم که به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار رسید، فاجعه خروج سرمایه کلید خورد. این درآمدها به جای سرمایه‌گذاری در بخش مولد و دانش‌بنیان، خرج کلنگ‌زنی پروژه‌های نیمه‌تمام و وام‌های زودبازده‌ای شد که بخش عمده آن به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته بر باد رفت و تبدیل به دلار شد و از کشور گریخت. پژوهش دقیقی که در دانشگاه تربیت‌مدرس انجام گرفت، نشان داد خروج سرمایه در آن برهه سالانه به اعدادی بین ۳۰ تا ۸۰ میلیارد دلار رسید. ابتدا این آمارها را حاشا می‌کردند و می‌گفتند ما یک چنین پولی نداشتیم و غیره؛ اما امروز با افشای ابعاد اقدامات تراستی‌ها و ارقام نجومی بلوکه‌شده در خارج، حقیقت کاملا آشکار شد. دقت کنید؛ کل سرمایه‌گذاری سالانه در بخش صنعت ایران به طور متوسط حدود ۲۰ میلیارد دلار و در کشاورزی ۱۰ میلیارد دلار است؛ وقتی سالی ۳۰ تا ۸۰ میلیارد دلار از کشور خارج شود، یعنی خون اقتصاد مکیده شده است. از سوی دیگر، بانک‌های خصوصی قارچ‌گونه رشد کردند و منابع را به سمت املاک و مال‌سازی بردند. زیان انباشته فقط یک بانک تجاری(بانک آینده) در دوره‌ای با کل سرمایه‌گذاری سالانه بخش کشاورزی کشور برابری می‌کرد! بانک‌ها با معاملات صوری املاک، ارزش دارایی‌هایشان را باد کردند تا اضافه‌برداشت از بانک مرکزی را توجیه کنند و بانک مرکزی در دولت‌های قبل هم برای جلوگیری از سقوط سیستم بانکی، ناچار به تسلیم شد؛ نتیجه مستقیم این چرخه رانتی، پمپاژ بی‌وقفه نقدینگی و پرواز نرخ تورم بوده است.

به نبود الگوی ورود به «اقتصاد دانش» به عنوان یکی از عوامل اصلی بروز تورم اشاره کردید؛ این نقیصه تا چه حد رفتار طرف‌های خارجی و تحریم‌پذیری اقتصاد ما را تشدید کرد؟

سال ۸۲ خورشیدی زمانی که در پروژه طرح جامع تهران همکاری داشتم، صراحتاً در مقالات مختلف نوشتم پایتخت ایران در آن برهه ۱.۵ میلیارد دلار صادرات دارد و ۱۵ میلیارد دلار ارزبری(واردات)! هم‌زمان، شهر سئول کره جنوبی به‌تنهایی ۳۰ میلیارد دلار فقط صادرات تجهیزات الکترونیکی داشت. به همین دلیل در همان زمان قرار شد منطقه ۲۲تهران دروازه ورود ایران به اقتصاد دانش شود. مهدی چمران در آن زمان رییس شورای شهر بود و به خاطر این ایده قدردانی کرد اما احمدی نژادی که همین طیف (چمران) روی کار آورده بود، این ایده را اجرایی نکرد. وقتی اقتصاد بر پایه نفت خام و واردات مصرفی اداره شود، طرف مقابل با کمترین محاسبه می‌فهمد که اگر شریان نفت را قطع و صادرات را محدود کند، این ساختار شکننده به سرعت فرو می‌پاشد. این آسیب‌پذیری حاصل کم‌مایگی در دانش توسعه است. جالب اینجاست که نه راست سنتی و نه راست مدرن مدافع سازندگی، هیچ‌کدام مسئولیت این تراکم‌فروشی و نرفتن به سمت اقتصاد دانش را نپذیرفتند و نقدی به آن وارد نکردند. روشنفکران مشروطه دست‌کم مطالبه صنعتی شدن و صنایع مادر داشتند؛ امروز ذوب‌آهن به اندازه کافی داریم، اما بدون اقتصاد دانش در «تله توسعه» افتاده‌ایم که عاقبت آن بحران آب، نابودی کشاورزی، تخریب محیط‌زیست ، فقر عمومی و تورم بالا است. تاسف آور اینکه در همین زمان عده‌ای هم خواب الگوبرداری از جامعه‌ای منزوی مانند کره شمالی را می‌بینند، در حالی که ساختار تاریخی، مطالبات مدنی و پایگاه اجتماعی مردم ایران اساساً چنین انزوای ویرانگری را پس می‌زند.

در چنین شرایط آشفته‌ای، اساساً از سیاست‌گذار پولی و به‌طور مشخص بانک مرکزی چه کاری ساخته است؟

نباید آدرس غلط داد؛ بانک مرکزی مسئول مدیریت بخش پولی اقتصاد است و نمی‌تواند به‌تنهایی بخش واقعی اقتصاد را که طی دهه‌ها تخریب شده، احیا کند. حملاتی که امروز از سوی برخی محافل دانشگاهی و نهادگراها به مدیران حوزه پولی صورت می‌گیرد، عمدتاً انحرافی و پوپولیستی است و کمکی به حل مسئله نمی‌کند. معتقدم بانک مرکزی ظرفیت‌های پژوهشی و رسانه‌ای ارزشمندی دارد که باید به کار بگیرد؛ در گذشته نشریاتی مانند «روند» کار علمی دقیق تولید می‌کردند، امروز هم شنیده ام رسانه‌های خوبی در بطن ساختار بانک مرکزی منتشر می‌شوند. اما متأسفانه کل بوروکراسی ما محافظه‌کار و کم‌جرات شده است. من شناخت عمیقی از ساختار و کارشناسان بانک مرکزی دارم؛ پدرم سال‌ها کارشناس این نهاد بود و خودم نیز سازوکار آن را از نزدیک لمس کرده‌ام. کارشناسان و بدنه بانک مرکزی در زمان خود از پیشروترین نیروهای ملی بوده‌اند و هنوز هم استخوان‌بندی کارشناسی قوی و موثری دارند. اما حل معضلات ریشه‌دار اقتصاد ایران و وضعیت پول ملی ایرانیان، عزمی فراتر از بانک مرکزی می‌خواهد. باید نظامات بودجه ای، مالی و...به کمک بانک مرکزی بیایند تا در قالب یک الگوی واحد توسعه مشکلات رفع شوند. بانک مرکزی در کنار سازمان برنامه و سایر دستگاه‌ها باید بودجه‌های پژوهشی واقعی اختصاص دهند و به جای تحقیقات تشریفاتی، دانشگاه‌ها را به میدان بکشند. وضعیت دانشگاه‌های ما تأسف‌بار است؛ چند سال پیش در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران از دانشجویان مفهوم اقتصاد دانش را پرسیدم، هیچ پاسخی نداشتند! وقتی نظام‌های اقتصادی را بر مبنای تلفیق برنامه و بازار برای پیوستن به اقتصاد دانش تدریس کردم، تدریسم را متوقف کردند. وقتی علم سرکوب شود و دانشگاه‌ها از حل مسئله عاجز بمانند، خروجی همین تسخیر قانون‌گذاری توسط منافع نامولد می‌شود.

> نباید آدرس غلط داد؛ بانک مرکزی مسئول مدیریت بخش پولی اقتصاد است و نمی‌تواند به‌تنهایی بخش واقعی اقتصاد را که طی دهه‌ها تخریب شده، احیا کند. حملاتی که امروز از سوی برخی محافل دانشگاهی و نهادگراها به مدیران حوزه پولی صورت می‌گیرد، عمدتاً انحرافی و پوپولیستی است و کمکی به حل مسئله نمی‌کند. معتقدم بانک مرکزی ظرفیت‌های پژوهشی و رسانه‌ای ارزشمندی دارد که باید به کار بگیرد؛ در گذشته نشریاتی مانند «روند» کار علمی دقیق تولید می‌کردند، امروز هم شنیده ام رسانه‌های خوبی در بطن ساختار بانک مرکزی منتشر می‌شوند. اما متأسفانه کل بوروکراسی ما محافظه‌کار و کم‌جرات شده است. من شناخت عمیقی از ساختار و کارشناسان بانک مرکزی دارم؛ پدرم سال‌ها کارشناس این نهاد بود و خودم نیز سازوکار آن را از نزدیک لمس کرده‌ام. کارشناسان و بدنه بانک مرکزی در زمان خود از پیشروترین نیروهای ملی بوده‌اند و هنوز هم استخوان‌بندی کارشناسی قوی و موثری دارند. اما حل معضلات ریشه‌دار اقتصاد ایران و وضعیت پول ملی ایرانیان، عزمی فراتر از بانک مرکزی می‌خواهد. باید نظامات بودجه ای، مالی و...به کمک بانک مرکزی بیایند تا در قالب یک الگوی واحد توسعه مشکلات رفع شوند. بانک مرکزی در کنار سازمان برنامه و سایر دستگاه‌ها باید بودجه‌های پژوهشی واقعی اختصاص دهند و به جای تحقیقات تشریفاتی، دانشگاه‌ها را به میدان بکشند. وضعیت دانشگاه‌های ما تأسف‌بار است؛ چند سال پیش در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران از دانشجویان مفهوم اقتصاد دانش را پرسیدم، هیچ پاسخی نداشتند! وقتی نظام‌های اقتصادی را بر مبنای تلفیق برنامه و بازار برای پیوستن به اقتصاد دانش تدریس کردم، تدریسم را متوقف کردند. وقتی علم سرکوب شود و دانشگاه‌ها از حل مسئله عاجز بمانند، خروجی همین تسخیر قانون‌گذاری توسط منافع نامولد می‌شود.

راه برون‌رفت از این چرخه مخرب چیست؟ دولت کنونی و بانک مرکزی در زمان مدیریت آقای همتی چه گام‌های ایجابی می‌تواند بردارد؟

ما نیاز به راه‌اندازی یک گفتگوی گسترده ملی برای «مدل‌سازی توسعه بر پایه اقتصاد و جامعه دانش» داریم. همین کاری که شما و ایبنا و مدیران و سردبیران دنبال می‌کنید ارزشمند است. باید روایت‌های افراد مختلف و اساتید برجسته علم اقتصاد از طیف‌های مختلف را شنید و بهترین پیشنهادها را به کار گرفت. دولت باید با جامعه روراست و شفاف باشد. مردم ایران تاب‌آوری تاریخی و ظرفیت فرهنگی شگفت‌انگیزی دارند و در برابر سخت‌ترین فشارها تمامیت کشور را حفظ کرده‌اند؛ حاکمیت باید قدر این ملت شایسته را بداند. راه نجات کشور، بازگشت به سیاست «تعامل سازنده با جهان» است؛ همان اصلی که در برنامه چهارم توسعه تدوین شده بود اما کنار گذاشته شد. شکاف‌های درونی و گسل‌های اجتماعی باید با وفاق ملی ترمیم شوند. توسعه ملی و تولید ثروت پایدار بر پایه دانش تنها سدی است که می‌تواند مانع از فروپاشی اقتصادی شود؛ چرا که اتحاد جماهیر شوروی با هزاران کلاهک اتمی نتوانست جلوی فروپاشی درونی ناشی از رکود اقتصادی و انزوای فناورانه را بگیرد. بانک مرکزی می‌تواند در حوزه اختیارات خود کاتالیزور مطالعات راهبردی شود، اما تدوین این افق نیازمند یک بازآرایی بزرگ در سیاست‌گذاری ملی و پیوند دوباره علم با توسعه است.

افکس ۲۰۲۶ از لنز تازه‌های اقتصاد

عکاسان: فاطمه بهبودی و مبین صدیقی





























